

تأثیر هویت بر منظر شهرهای ایرانی-اسلامی (گذار از سنت به مدرنیته)

عنایت الله محقق نسب^۱، الهام ناظمی^۲

۱- کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران.

۲- دکترای شهرسازی، عضو هیأت علمی گروه شهرسازی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

Enayat.mohaghegh@gmail.com

چکیده

در سال‌های اخیر در بناهای ساخته شده از الگوهای معماری ایرانی اسلامی کم‌تر بهره گرفته شده است. به طوری که تقریباً می‌توان گفت بسیاری از بناهایی که در شهرهای بزرگ ساخته شده تقلیدی از معماری کشورهای دیگر به ویژه اروپاست. آسیب شناسی این امر نشان می‌دهد در حقیقت طراحان امروزی نتوانسته‌اند آن‌چنان که باید، در گذار از سنت به مدرنیته رنگ و بوی معماری و شهرسازی ایرانی و اسلامی را زنده نگه دارند و از آن در طراحی‌ها بهره‌ی لازم را ببرند. بنابراین در این مقاله سعی بر آن است با معرفی هویت معماری و شهرسازی ایرانی اسلامی بر لزوم بازخوانی ویژگی‌های آن‌ها در شهرهای امروزی تأکید گردد. این مقاله به روش توصیفی تحلیلی تدوین شده است و گردآوری داده‌ها نیز از طریق مطالعات اسنادی بوده است. همچنین این مقاله در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که آثار معماری و شهرسازی امروزه کشور تا چه میزان وام‌دار هویت ایرانی اسلامی و تا چه میزان گرده برداری از معماری و شهرسازی اروپایی بوده است؟ نتایج این تحقیق مبین این امر است که عمدتاً ساخت و ساز ناشی از مدنیزاسیون در ایران بر پایه سبک‌های معماری اروپایی رواج یافته و کمتر هویت ایرانی-اسلامی در آن نمایان است.

کلمات کلیدی: هویت، منظر، شهرهای ایرانی-اسلامی، معماری ایرانی-اسلامی

۱- مقدمه:

زمینه‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی از جمله عواملی هستند که در شکل‌گیری آثار معماری بسیار موثرند. معماری معاصر ایران در بستری شکل گرفته است که از جریان‌های مدرنیته، صنعتی شدن و جهانی شدن به طور مداوم تاثیر پذیرفته است. میزان استفاده از فناوری در زندگی مردم تغییر کرده و متعاقب آن کالبد و محیط زیست وی را تغییر داده است. می‌توان عنوان نمود گذار به مدرنیته در جامعه ایران از حدود یک قرن پیش آغاز شده است و هم اکنون نیز در جریان است زیرا که جامعه ما هیچ‌گاه زیرساخت‌های مدرنیته را به صورت کامل در اختیار نداشته و از نظر فنی نیز همواره کمبودهای فراوانی وجود داشته است. این امر موجب گشته است، معماری نیز با توجه به نقصان‌های موجود در شیوه‌های ساخت گاه به تقلید ظاهری از معماری مدرن تقلیل یابد. در حقیقت آنچه امروز تولید می‌شود ساختمان سازی است نه معماری، رشد شهری است نه شهرسازی. مراد از معماری و شهرسازی خلق آگاهانه و اندیشمندانه فضا برای زندگی فرد و جامعه است (حبیبی، ۱۳۸۹: ۹۷). در این مقاله ابتدا به معرفی واژگان و مفاهیم پایه مرتبط پرداخته می‌شود و سپس نمونه‌هایی از معماری ایرانی اسلامی و ویژگی‌های آن‌ها ارائه می‌گردد. در نهایت نمونه‌های اخیر طراحی شده و اجرا شده در ایران نظیر برج میلاد مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد و نتیجه‌گیری نهایی از این بررسی‌ها به عمل می‌آید.

۲- مفاهیم و واژگان کلیدی

۲-۱- منظر شهر

به طور خلاصه سه نظریه مورد «حالت وجودی» کیفیت منظر شهری مطرح می‌باشد: تلقی کیفیت منظر شهری به مثابه صفتی که ذاتی محیط کالبد شهر بوده و مستقل از انسان بعنوان ناظر و مدرک وجود دارد. تلقی کیفیت منظر شهری به مثابه مقوله‌ای کاملاً ذهنی و سلیقه‌ای که توسط ناظر ساخته می‌شود و هیچ‌گونه رابطی به ساختار و خصوصیت محیط کالبدی ندارد. تلقی کیفیت منظر شهری به مثابه «پدیدار» (فنون) با رویدادی که در جریان داد و ستد میان خصوصیات کالبدی و محسوس محیط از یک سو و الگوها، نمادهای فرهنگی و تواناییهای ذهنی فرد ناظر از سوی دیگر شکل می‌گیرد. در این تلقی پدیدار شناسانه، مفهوم منظر شهری، مفهومی قابل تفسیر و تاویل است.

۲-۲- هویت

فرهنگ آکسفورد از هویت به عنوان چیستی و کیستی فرد یاد می‌کند؛ فرهنگ عمید هویت را حقیقت شی یا شخص می‌داند که مشتمل بر صفات جوهری او باشد. هم‌چنین از نظر فرهنگ معین نیز هویت یعنی آنچه که موجب شناسایی شخص باشد و باعث تمایز یک فرد از فرد دیگر شود.

هویت بخشی از شخصیت موجودی هر انسان است که هویت فردی او را می‌سازد، مکانی است که خود را با آن می‌شناسد و به دیگران می‌شناساند. در واقع میان فرد و مکان رابطه‌ای عمیق تر از صرف بودن یا تجربه کردن آن مکان برقرار است. اما طبق تعریف متداول، هویت احساس تعلق خاطر به مجموعه‌ای مادی و معنوی است که عناصر آن از قبل شکل گرفته‌اند.

۲-۳- هویت شهر:

یکی از نیازهای اجتماع انسانی احساس امنیت و تعلق است. در این راستا هویت و عناصر هویتی در زندگی انسان موجب آرامش و ایجاد اعتماد به نفس و میل به داشتن تلاشی مستمر همراه با احساس امنیت می‌شود. هویت در شهر به واسطه‌ی

ایجاد و تداعی خاطرات عمومی در شهروندان و تعلق خاطر را نزد آنان فراهم کرده و شهرنشینان را به سوی شهروند شدن که گستره‌ای فعال تر از ساکن شدن صرف دارد هدایت می‌کند. پس هر چند که هویت شهر خود معلول فرهنگ شهروندان آن است، لیکن فرایند شهروندسازی را تحت تاثیر قرار داده و می‌تواند باعث تدوین معیارهای مرتبط با مشارکت و قضاوت نزد ناظران و ساکنان گردد.

۲-۴- مدرنیته

مدرنیته یعنی نو شدن. نو در برابر کهنه به طوری که بودلر تبیین می‌کند، مدرنیته یعنی درک این واقعیت که چیزهایی از زندگی کهنه در زندگی نو باقی مانده‌اند و ما باید با آنها بجنگیم. در این صورت، مدرنیته، موقعیت آرامی نیست که در آن همه-ی سنت‌ها و باورهای عمیق از میان رفته باشد و آدم‌ها خوش و خرم به گونه‌ای پیروزمندانه زندگی کنند، برعکس، مدرنیته یعنی تخریب مداوم سنت‌ها و باورهای کهنه‌ای که با شیوه‌ی زندگی همراه شده‌اند و تولید شیوه‌های تازه زیستن، آن هم نه در شکل‌های قدیمی، بلکه در شکل‌هایی امروزی که باز شناسی آنها خود مسئله‌ای جدید است. مدرنیته، یک رویکرد عقلانی است که بازتاب آن، حرکت پیوسته به جلو است. مدرنیته، نو شدنی است که در فکر یا در عالم خارج رخ می‌دهد و غالباً از پیش برنامه ریزی شده نیست و به عزم کسی پدید نیامده و به عزم کسی هم عوض نمی‌شود.

۲-۵- سنت

سنت، یکی از شیوه‌های تلفیق نظارت بازاندیشانه‌ی کنش با سازماندهی زمانی-مکانی اجتماع است. سنت، وسیله‌ی برخورد با زمان و مکان است و هر فعالیت یا تجربه‌ی خاص را در زنجیره‌ی مداوم گذشته، حال و آینده جای می‌دهد و این رشته‌ی تداوم نیز به نوبه‌ی خود با عملکردهای تکرار شونده ساختار می‌گردد. سنت یکسره ایستا نیست، زیرا برای هر نسل تازه‌ای ممکن است مفهومی دیگر را تداعی کند. درست در همان زمانی که نسل نو میراث فرهنگی را از نسل پیش از خود می‌گیرد، سنت در طول زمان تجدید می‌شود و به نسل بعدی اندیشه ملحق می‌گردد.

۳- پیشینه

برای نفوذ و گسترش معماری ناشی از تفکر مدرنیسم در ایران و به عبارت بهتر برای نفوذ و گسترش و تقلید و تکرار معماری بیگانه (غربی) در ایران می‌توان دوره قاجار را به عنوان مبدا زمانی ذکر کرد. رواج معماری بیگانه در ایران که از دوره قاجار آغاز شده بود، پذیرش عالمانه و آگاهانه و نقادانه نبود بلکه این پذیرش ناشی از خود باختگی سران کشور بود که به فرنگ سفر کرده و مسحور توسعه صنعتی آنها شده و به نحوی دچار از خود بیگانگی و بحران هویت شده بودند. لذا در پی احراز هویتی برای خویش بودند که توسط آن خود را عقب مانده قافله پیشرفت و تمدن ندانند. اما پس از ورود مدرنیته معماری ما بر سر یک دو راهی قرار گرفت، از یک طرف شیفته و دل‌باخته معماری غرب بود و از طرف دیگر شاهد مرگ و از دست رفتن معماری سنتی و گذشته پر افتخارش بود، در حالی که چیزی از خودش برای ارائه در دنیای معاصر نداشت. در این زمان بود که ما به صورت دست‌پاچه و شتاب‌زده تصمیم به نوسازی گرفتیم تا بیش از این از غرب عقب نیفتیم.

۴- آثار معماری به مثابه نماد و سمبل

معماری ایده‌های بزرگ انسانیت را در برگرفته است. نه فقط سمبل هر دینی، بلکه تفکر هر انسانی یک برگ از این کتاب وسیع را شامل می‌شود. "ویکتور هوگو"

معماری زنده آن است که معرف صادق زمانه خود باشد. درهمه قلمروهای ساخت آن را می‌جوییم و از میان آنها کارهایی را برمی‌گزینیم که سخت از کاربری مورد انتظار تابعیت کرده، با مصالح خردمندانه ساخته شده و با ترکیب متناسب عناصر ضروری به زیبایی دست‌یافته باشند. "آگوست پره"

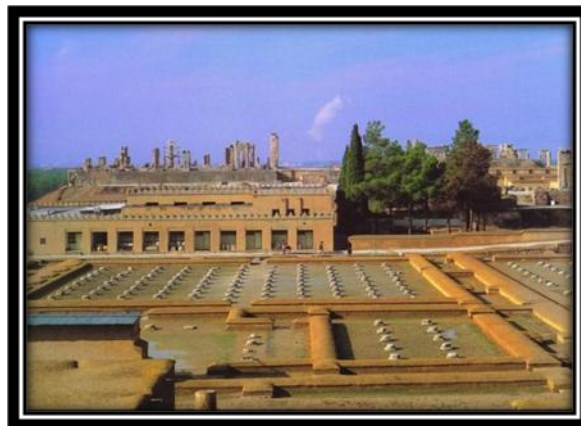
بنا به گفته موتیسوس، معماری وسیله واقعی سنجش یک ملت بوده و هست (گروتز، ۱۳۷۵) و از آنجایی که "معماری" یکی از مظاهر بیرونی فرهنگ یک جامعه است نماد مناسبی برای مطالعه فرهنگ آن جامعه محسوب می‌شود. هر بنایی به عنوان سمبلی از فرهنگ معماری این وظیفه را دارد که یک بینش و تفکر را از طریق شکل ظاهری خود عینیت ببخشد و به این ترتیب باز تولیدی خواهد شد برای ارزیابی یک فرهنگ. از این دیدگاه تعریفی که هانس هولاین (۱۹۶۲) از معماری می‌کند قابل درک است: معماری به عنوان نظامی معنوی در ساختمان‌ها تجسم یافته است که در این صورت هر ساختمانی یک شاهد فرهنگی است.

۵- تاثیر هویت بر منظر شهرهای ایرانی

معماری از یک موجودیت و هستی تمدنی حکایت می‌کند که لزوماً مربوط به مرگ‌های گذشته نیست بلکه حکایت‌گر هستی امروز و هستی آینده نیز هست. تمدن یک برجستگی ملی است که هم ماندگاری گذشته را بیان می‌کند و هم چگونه بودن حال و آینده را رقم می‌زند. در واقع معماری تلاشی برای از بین رفتن فاصله با گذشته و منعکس کننده استمرار گذشته در حال و آینده است (عاملی، ۱۳۸۳: ۴۵).

درخشان‌ترین و مستحکم‌ترین تمدن‌های تاریخ از یک جنبه با یکدیگر اشتراک دارند، بدین معنا که اصالت هنر برای آنها تقدسی ویژه داشته است. معیار اساسی برای ارزشیابی تمدن‌های باستانی، معماری آن‌هاست. معماری ایرانی در دوره‌های مختلف ویژگی‌های خاص خود را داشته و هر دوره دارای هویت خاص بوده است. از این رو به گوشه‌ای از تجربیات تمدنی باشکوه و تاثیرگذار در ایران اشاره می‌کنیم:

۵-۱- تمدن هخامنشی: نخستین کانون امپراتوری هخامنشی در پاسارگاد است. آنچه که بعدها از شوش به مجموعه معماری هخامنشی راه پیدا کرد در قالب یک کاخ بزرگ بود با دیوارهای منقوش به حیوانات اساطیری و نگهبانان، که با خود هنر بین الملل آن دوره را هم به ارمغان آورد. در دوره هخامنشی شاهد ترکیب عناصر فراوانی از هنر ایرانی، آشوری، مصری، یونانی و سکایی هستیم.



شکل ۱: شهر هخامنشی

۲-۵- تمدن اشکانیان: پارتیان در شمال خاوری ایران معماری نوینی را تکوین بخشیدند. معماری پارتیان، با ترکیب عناصر ایرانی و یونانی شیوه جدید و بی نظیری را در معماری به وجود آورد.



شکل ۲: قلعه ی قشلاق در زنجان

۳-۵- تمدن ساسانی: هنر ساسانی اساساً با "جهان بینی مذهبی" همراه است و هر چند ادامه هنرهای قدیم ایران و هخامنشی و پارتی است و تحت تاثیر جریان های مختلفی که از سمت شرق و غرب به سوی این هنر سرازیر بود شکل گرفته است؛ اما ویژگیهای خاص خود را نیز دارد (ابوذری، ۱۳۸۰: ۱۱۷).



شکل ۳: قلعه فلک الافلاک خرم اباد

۶- معماری اسلامی

در آغاز دوره ی اسلامی، سرزمین هایی که به قلمروی دین مبین اسلام پیوسته بودند، سبک های معماری محلی از قبیل ایرانی، بیزانسی و قبطی را تحت تاثیر نگرش اسلامی، اساس شیوه هایی قرار دادند که حاصل آنها، شاهکارهایی مانند: مسجدهای بزرگ جهان اسلام شد. یعنی اسلام به هر سرزمینی که دست یافت، از هنر معماری آن مرزو بوم به شیوه ی تکامل یافته ی جدیدی در معماری رسید که ویژگی های فرهنگی و هنری آن قوم در آن ملحوظ بود و هم تاثیر بینش و روح اسلامی نوعی وحدت را در این آثار به بیننده القا می نمود.

در معماری اسلامی، استخوان بندی بنا، مهم ترین قسمت، و تزئین و پرداخت رویه های بنا گیراترین عنصر آن به حساب می آمد. به عنوان مثال، مقرنس کاری یکی از شیوه های تزئینی بنا در این سبک معماری به شمار می آید.

معماری اسلامی یکی از بزرگ‌ترین جلوه‌های ظهور یک حقیقت هنری در کالبد مادی به شمار می‌رود. از لحاظ تاریخی معماری اولین هنری به شمار می‌آید که توانست خود را با مفاهیم اسلامی سازگار نموده، از طرف مسلمانان مورد استقبال قرارگیرد. معماری اسلامی به عنوان یکی از موفق‌ترین شیوه‌های معماری در تاریخ معماری جهان قابل بازشناسی است. در یک نگاه جامع نگر می‌توان پیوستاری ارزشمند و پویا را در بناهای اسلامی بازشناسی کرد که موجب شده تمامی آن‌ها در قالبی واحد با عنوان معماری اسلامی در کنار یکدیگر قرارگیرند (محمدی نژاد، ۱۳۸۳: ۵۸).

۷- مدرنیته و تاثیر آن بر مفاهیم معماری:

فردیت و هویت فرهنگی و تاریخی هر جامعه در عرصه‌های هنری با یکدیگر تلاقی می‌یابند. در واقع هنر با احضار روح فرهنگ و تاریخ و حلول بخشیدن آن در کالبد اثر، همه موجودیت فرهنگی یک سرزمین را در درازای حیات خویش فرا می‌خواند. این هم زمانی دوره‌های فرهنگی در اثر هنری، خود گفت و گویی را شکل می‌بخشد که اوج هوشمندانه آن، باززایی، دگردیسی و سرانجام پویایی فرهنگ است (مزدآپور و دیگران، ۱۳۸۱).

هویت امری منفعل نیست بلکه به مثابه یک منظومه روایی است که در طی زمان با تاویل‌های گوناگونی شکل می‌گیرد و بطور مرتب باید آن را برپا کرد. آن چیزی که بطور مداوم منظومه هویتی را ویران می‌کند عنصر زمان و مناسبات جدید است (کاشی و دیگران، ۱۳۸۱). می‌توان این طور اذعان کرد که معماری که از یک فرهنگ اصیل و هنری بومی و خالص سرچشمه گرفته باشد در تعامل با سایر فرهنگ‌ها دچار از خود باختگی نمی‌شود و هویت مستقل خود را حفظ می‌کند. ضمن اینکه جهانی شدن با باز تولید زمان و مکان، کم رنگ کردن اهمیت مرزهای جغرافیایی و انحلال فضاها بومی و سنتی، هویت و معنای بومی را دچار ابهام کرده که رفع آن با بازسازی هویت و بازگشت به عناصر و مفاهیم سنتی امکان پذیر می‌شود. از این رو جهانی شدن به معنای از بین رفتن هویت مکان‌های خاص نیست، حدیث معماری امروز ایران، درک اصالت ارزش‌ها و مفاهیم فرهنگی و تمدنی در یک معماری ریشه دار و پویاست. معماری که در عصر جهانی شدن و سرعت ارتباطات و تغییر جلوه‌های تمدن بشری در معرض خطراتی چون دوری از اصالت و خویش‌نمایی و اعتبار قرار گرفته است. بلکه فرآیندی مستلزم تغییر و ارتباطات است.

برای معماری ایران ویژگی‌هایی ذکر می‌شود که کهنگی بردار نیست، مثل مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی و ... همین‌طور از توازن، تعادل، کمال و وحدت به عنوان شاخص‌های بارز معماری ایران یاد شده است. علاوه بر این‌ها می‌توان صفاتی همچون روشنی، وضوح، اعتدال و متانت و وحدت و جامعیت و سلم و توازن را نیز که در معماری و شهرسازی مسلمین که آثار ایرانیان نیز جزیی از آن است، یاد کرد.

از جمله ویژگی اثرهای هنرمندان مسلمان همچون معماران، نماد گرایی و رمز پردازی بوده است که این مهم نه به معنا و منظور پیچیدگی و غامض بودن اثر و خود نمایی معمار، بلکه به معنای ساحتی معنوی دادن به هر چیز و هر شی همواره مورد نظر هنرمندان مسلمان بوده و برای هر عملی و پدیده‌ای، اصلی آسمانی و معنوی و مثالی قائل بوده‌اند. مضافاً اینکه بررسی در متون اسلامی و فرهنگی ایرانیان نیز می‌تواند صفاتی را برای معماری و محیط زندگی مسلمین و بالتبع ایرانیان مطرح نماید که صفاتی بی زمان و مکان بوده و تنها چگونگی تجلی آنها با توجه به امکانات در دسترس و شرایط محیطی و فرهنگی متفاوت خواهد بود.

نکته بارز در ویژگی‌های معماری ایرانی است که عمدتاً بر جنبه‌ی معنوی حیات انسان و البته بدون غفلت از نیازها و ضرورت‌های جنبه‌ی مادی زندگی استوار بوده است.

می‌توان گفت پویایی و نوگرایی فرهنگ ایران به عنوان یک سنت بر تفسیر اصول معماری نیز تأثیر داشته است. بنابراین انتخاب و معرفی و مطرح نمودن الگوی کالبدی فیزیکی واحد و ثابت به عنوان الگو و سنت معماری ایرانی و اسلامی، عملی است برضد سنت مورد نظر معماری ایرانی-اسلامی. با این عمل نه تنها خدمت و حرمتی به سنت معماری ایران ارائه نشده است که بالعکس به عبارتی حکم به فقدان توانایی تفکر و فرهنگ اسلامی در معرفی ویژگی‌های محیط مناسب زندگی و یا اصولاً عدم امکان ظهور محیط زندگی اسلامی در عصر حاضر داده شده است. اینک نیز وقتی از سنت معماری اسلامی و ایرانی سخن می‌گوییم، مراد اصول و مبانی ثابتی است که می‌توانند تجلی کالبدی خاص خویش را در هر زمان و برای هر مکانی داشته باشد.

مدرنیسم را نمی‌توان نوگرایی قلمداد کرد. اگر چه یکی از معانی لغوی مدرنیسم، نوگرایی و توجه به پدیده‌ها و روش‌های نوین است ولی در زمینه‌های هنری و ادبی و از جمله معماری و شهرسازی می‌توان آن را وجهی خاص از تجدد طلبی تلقی نمود که گذشته را نفی می‌کند و به مبانی معنوی و روحانی اعتقادی ندارد و در پی افکندن دنیایی بافرهنگ و روش زیست واحد برای مردم، بر مبنایی که خود را برتر می‌پندارند، می‌باشد و پیروی از الگویی واحد بویژه برای جوامع غیر صنعتی را توصیه نموده و آن را ترویج و تبلیغ می‌نماید. بسیاری کسان این الگوی واحد را اولاً ثابت (انتقاد ناپذیر) و ثانیاً تولید جهان صنعتی می‌دانند که مالک غیرصنعتی جهان سوم اگر خواستار پیشرفت و توسعه است باید آن را الگو قرار داده و از آن تبعیت نموده و بدون چون و چرا آن را تقلید نمایند. مدرنیسم به انسانی معتقد است که بنا به نظر کانت از حال کودکی بیرون آمده و تبدیل به موجود بالغ و کاملی شده که دیگر روی پای خود ایستاده است و به زندگی خود بیرون از تقدیرهای کتاب‌های مقدس فکر میکند.

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم مدرنیته عمل‌گرایی و آن هم عمل‌گرایی کمی است که کیفیت زیست را به بن بست رسانده است. این نوع عمل‌گرایی، به نوعی تجربه‌گرایی یعنی همان توجه به ظاهر می‌باشد. مضافاً اینکه جزگرایی بنیاد فلسفه‌ی اینگونه علم تلقی می‌شود.

تجلیات خاص مدرنیسم که بر مبنای آراء انسان محوری شکل گرفت در معماری و شهرسازی به فردگرایی و نهایتاً غربت و انزوای انسان انجامید، که جملگی این‌ها بیش از این که به حتی مبانی نظری خویش و یا به انسان و سعادت او بیندیشد، به مرور بازیچه و ملعبه‌ی سیاستمداران و سیاست‌بازانی قرار گرفت که نگران گسترش تفکر جامعه‌گرایی سوسیالیسم بودند. شکست معماری مدرن و تفکرات پایه آن و روشن شدن علل ظهور و سقوط آن و انحطاط آن در غرب بجای این که به عنوان یک عبرت و درس از تاریخ گذشته شود، هم‌چنان در جهان سوم و در میان شیدایان غرب مبلغانی دارد که آن را ترویج و تبلیغ می‌کنند و به دلیل عدم وضوح معنای لغوی آن برای عموم، از آن به عنوان نوگرایی و حره‌ای برای نفی معماری سنتی و تاریخی استفاده می‌شود.

نباید عدم توانایی بعضی معماران در ارائه‌ی الگوها و اشکال و فضاهای مناسب حیات امروز ایرانی را از اشکالات اصول سنت معماری ایران دانست. در واقع این مشکل از معماران و عدم توانایی آنها در شناخت اصول حاکم بر حیات انسان و چگونگی بهره‌گیری از آنها در ارائه‌ی فضای مناسب حیات انسان می‌باشد. در معماری معاصر چند جریان معماری بطور هم‌زمان آرایش و پیرایش فضا را به عهده گرفته‌اند. جریان‌هایی که ضعیف‌تر شده و به حاشیه رفته‌اند، معماری مبتنی بر سنت، معماری مبتنی بر تاریخ و معماری مبتنی بر بوم هستند و جریان‌هایی که از حیات بیشتری برخوردارند، معماری مبتنی بر نوآوری می‌باشد که برخی از آنها با نوآوری‌های گذشته آمیخته‌اند و برخی سعی در ارائه نوآوری تام دارند.

به طور مثال برج میلاد که هیچ نشانی از نمادهای معماری ایرانی - اسلامی در بنای ظاهری آن به چشم نمی خورد، بطوری که تقریباً هرچه از آن شنید ایم همه به ویژگی های فنی و تکنولوژیک آن مربوط است. ضمن این که تا به حال اطلاعاتی دقیق از هویت معماری این برج نشنید ایم، جز کلی گوی هایی چون معماری بنای برج با الهام از میل ها و مناره های باستانی ایران و هندسه ای برگرفته از نقوش معماری ناب ایرانی و مفاهیم عمیق درونی معماری سنتی شکل گرفته است. این در حالی است که سازندگان برج درباره الهام از معماری اسلامی در ساخت آن ادعا دارند و آن را پیوندی بین تکنولوژی و معماری اسلامی - ایرانی می دانند.

نمی توان منکر همه ویژگی های فنی و مهندسی اش و همه خدمات و امکانات آن شد ولی به نظر می رسد این برج بیشتر بنایی است برآمده از روحیه رقابت جویی، با کمی چاشنی از فرهنگ و هنر اسلامی که به هر ترتیب، حضور و احداثش را ضرورت معنوی ببخشد. چرا که یادمان ها، بیش از هر چیز، نماینده فرهنگ، هنر و فن معماری زمان ساختشان هستند و در ارتباط با بافت شهری پیرامون خود در زمان ساختشان است که مفهوم نمادین خود را پیدا می کنند.

بنابراین، برج میلاد را می توان نمادی از اقتدار و عزم ملی (آن هم به دلیل همه ویژگی های تکنولوژیک و فنی و مهندس آن) دانست و این ایده که چنین برجی بتواند به عنوان یک یادمان شهری جایگاهی داشته باشد و رقیبی چون برج آزادی را کنارزند، چندان منطقی به نظر نمی رسد.

در این دوره در کنار ساخت و سازهای نامطلوب انجام شده بناهای با ارزشی هم توسط شرکت های مشاور و معماران طراحی و اجرا شده یا در حال ساخت است که رویکرد های گوناگونی از توجه به معماری سنتی ایران تا معماری های تک را در بر می گیرد. پروژه هایی همچون موزه و کتابخانه ی ریاست جمهوری (شکل ۱) (مهندسين مشاور آرشی کام، رفسنجان ۱۳۷۸)، فرهنگسرای نگارستان (شکل ۲) (مهندسين مشاور شارستان، تهران ۱۳۷۹)، مجتمع ورزشی رفسنجان (شکل ۳) (مهندسين مشاور نقش جهان پارس، رفسنجان ۱۳۸۱)، فرودگاه بین المللی امام خمینی (شکل ۴) (مهندسين مشاور آتک، تهران ۱۳۸۲)، از جمله طرح هایی هستند که در مقیاس ملی قابل توجه و مطرح می باشند.



شکل ۱ و ۲



شکل ۳ و ۴ (ماخذ: بانک اطلاعات معماری نوین ایران)

هرکدام از این بناها با توجه به معماری سنتی ایران و الهام از اشکال گنبدی و طاق و قوس و در تصویر ۲ با الهام از فرم یخچال ها شکل گرفته اند. توجه به گذشته وجه مشخصه و بارز این بناها است. در تصویر ۴ بعد سازه ای و تکنیکی بنا غالب است.

۸- نتیجه گیری:

معماری مدرن، که بر اساس تحول در جوامع سنتی، صنعتی شدن و تغییر نحوه زندگی و دیدگاه‌های مردم در غرب شکل گرفته، سبکی است که بیش از همه سبک‌های معماری غرب بر معماری و شهرسازی ایران تاثیرگذار بوده است. در ایران هم روند مدرن شدن به صورت تقلید از معماری مدرن غرب در جریان است و به گسترش شهرنشینی و تسلط روز افزون ماشین بر زندگی مردم منجر شده است و بسیاری از هنجارهای مناسب زندگی را تحت تاثیر قرار داده و بی هنجاری و نا هنجاری را جایگزین آن کرده است.

در هر حال باید هنر ما این باشد که با بکارگیری استعدادهای موجود و استفاده از فناوری نوین، دانش و داشت های تجربی و تاریخی ایران اسلامی را با نیازهای جدید جامعه تطبیق داده و کامل نموده و به معیاری فراگیر و جهانی برای دیگران تبدیل نماییم، نه اینکه با تقلید کورکورانه و ترکیب نادرست و غیر منطقی دستاوردهای جدید با تجارب داخلی، زمینه‌های نابودی این علوم ارزشمند و بومی را فراهم نماییم.

۹- منابع :

- ابوذری، م. (۱۳۸۰) آشنایی با میراث فرهنگی هنری ایران، تهران، سازمان پژوهش فرهنگی.
- حبیبی، م. (۱۳۸۹). شرح جریان های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر، دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران.
- عاملی، س. ر. (۱۳۸۳) هویت های فرهنگی قدیم و جدید- رمز گشائی تمدنی و معماری سنتی- مدرن و ملی- فراملی مهستان.
- کاشی، غ. ل. (۱۳۸۲) ، کتاب ماه هنر، شماره ۵۶-۵۵، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲.
- گروتز، ی. (۱۳۷۵). زیبایی شناسی در معماری. ترجمه جهانشاه پاکزاد؛ عبدالرضا همایون. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- محمدی نژاد، م. (۱۳۸۳) حکمت معماری اسلامی، نشریه علمی، پژوهشی دانشکده هنرهای زیبا، شماره ۱۹، پاییز ۸۳، ص ۵۸-۵۹.
- مزدپور، ک. قادری، ح. کاشی، غ. ر. (۱۳۸۱). میزگرد هویت ملی و پیشینه های اساطیری، کتاب ماه هنر، شماره ۵۲- ۵۱، آذر و دی ۱۳۸۰، صص ۱۲-۳.